



## اصول فقه ۴ (حلقه ثالث)

# درس ۳۸

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی  
آموزشیار: آقای حمید تقی زاده سی سخت

ارکان استصحاب به عنوان قوام دهنده این اصل مهم عملی مورد اختلاف نظرهایی در میان اصولیون واقع شده است . از جمله در رکن سوم می توان به اختلاف تعبیر از این رکن میان دو اصولی بزرگ یعنی محقق خراسانی (ره) و شیخ اعظم انصاری(ره) اشاره داشت . البته آنچه مورد نظر است اشکالاتی است که در هر دو بیان از این رکن در تطبیق آن بر شبهه‌های حکمیه رخ می نماید و موجب می شود که جریان استصحاب با مشکل روبرو باشد.

در این درس تطبیق این رکن بر شبهه‌های حکمیه بررسی و اشکالات آن ضمن بیان هر دو نظریه طرح می گردد.

ثانياً: تطبيقه [الركن الثالث] في الشبهات الحكمية

و عند تطبيق هذا الركن على الاستصحاب في الشبهات الحكمية نشأت بعض المشاكل أيضاً، إذ لوحظ اننا حين نأخذ بالصياغة الثانية له التي اختارها صاحب الكفاية نجد: ان وحدة القضية المتيقنة و المشكوكة لا يمكن افتراضها في الشبهة الحكمية الا في حالات الشك في النسخ بمعنى إلغاء الجعل - أي النسخ بمعناه الحقيقي - . و أما حيث لا يحتمل النسخ فلا يمكن ان ينشأ شك في نفس القضية المتيقنة. و انما يشك في بقاء حكمها حينئذ إذا تغيرت بعض القيود و الخصوصيات المأخوذة فيها، و ذلك بأحد وجهين: اما بأن تكون خصوصية ما دخيلة يقيناً في حدوث الحكم و يشك في إناطة بقاءه ببقائها فترتفع الخصوصية و يشك حينئذ في بقاء الحكم، كالشك في نجاسة الماء بعد زوال تغيره، و اما بان تكون خصوصية ما مشكوكة الدخل من أول الأمر في ثبوت الحكم فيفرض وجودها في القضية المتيقنة إذ لا يقين بالحكم بدونها ثم ترتفع فيحصل الشك في بقاء الحكم و في كل من هذين الوجهين لا وحدة بين القضية المتيقنة و المشكوكة.

كما اننا حين نأخذ بالصياغة الأولى لهذا الركن نلاحظ ان موضوع الحكم عبارة عن مجموع ما أخذ مفروض الوجود في مقام جعله، و الموضوع بهذا المعنى غير محرز البقاء في الشبهات الحكمية، لأن الشك في بقاء الحكم ينشأ من الشك في انحفاظ تمام الخصوصيات المفروضة الوجود في مقام جعله.

## شبهه‌های حکمی و تطبیق رکن سوم

در مطالب پیش‌گفته بیان شد که از رکن سوم قاعده استصحاب دو تقریر ارائه شده است. شیخ انصاری (ره) از رکن سوم به احراز بقاء موضوع مستصحب تعبیر کرده است و محقق خراسانی (ره) تحت عنوان وحدت قضیه متیقن و مشکوک از این رکن یاد می‌کند.

تطبیق رکن سوم بر استصحاب جاری در شبهه‌های حکمی بر اساس هر کدام از دو شکل رکن سوم، با مشکل روبروست که هر کدام را به تفصیل بررسی خواهیم کرد.

### ۱. دیدگاه محقق خراسانی (ره)

طبق دیدگاه مرحوم آخوند خراسانی (ره) باید قضیه متیقن و مشکوک وحدت داشته باشند در حالی که این امر در شبهه‌های حکمی امکان ندارد، مگر این‌که مکلف در نسخ حقیقی حکم شرعی شک کند؛ یعنی مکلف شک کند که جعل حکم شرعی توسط شارع مقدس لغو شده است یا نه؟ شارع مقدس حکمی را به شکل مستمر جعل نموده است و این جعل را به خاطر مصلحتی ال‌غ‌ء می‌نماید که به آن در اصطلاح نسخ شرعی می‌گویند. در دروس آینده، استصحاب عدم نسخ که پیرامون نسخ حقیقی و مجازی است بیشتر بررسی خواهد شد.

وحدت قضیه متیقن و مشکوک را در فضای شک در نسخ می‌توان تصور نمود، اگر به حکم شرعی به عنوان یک قضیه یقین داشته باشیم، تنها در نسخ حکم شرعی می‌توان شک کرد.

مثلاً در مورد مکلف مستطیع، یقین به وجوب حج داریم، حال اگر در وجوب حج بر مکلف مستطیع شک کنیم، تنها در نسخ وجوب حج در حق مکلف مستطیع، می‌توان شک کرد.

پس وحدت دو قضیه متیقن و مشکوک در شبهه‌های حکمی تنها جایی صدق می‌کند که نسخ حقیقی در حکم شرعی اتفاق افتاده باشد. و این امر تنها در زمان رسول اکرم رخ می‌دهد که می‌دانیم بسیار کم اتفاق افتاده است. روشن است که وقتی نسخی در احکام شرعی رخ نداده است، در شبهه‌های حکمی نمی‌توان استصحاب را جاری دانست زیرا رکن سوم تحت عنوان شک در قضیه متیقن و مشکوک محرز نیست و مصداق پیدا نمی‌کند.

### متن عربی و نکات تطبیقی

ثانیاً: تطبیقه (۱) فی الشبهات الحکمیة

و عند تطبیق هذا الرکن علی الاستصحاب فی الشبهات الحکمیة نشأت بعض المشاكل أيضاً، إذ لوحظ اننا حين نأخذ بالصیغة الثانية له (۲) التي (۳) اختارها صاحب الكفاية نجد: ان وحدة القضية المتیقنة و المشكوكة لا يمكن افتراضها فی الشبهة الحکمیة الا فی حالات الشک فی النسخ بمعنى إلغاء الجعل - أي النسخ بمعناه الحقیقی - . و أما حيث لا یحتمل النسخ فلا يمكن ان ینشأ شک فی نفس القضية المتیقنة.

۱. مرجع ضمیر: رکن سوم.

۲. مرجع ضمیر: رکن سوم.

۳. صفت سیاقه.

## مشکلات دیدگاه محقق خراسانی (ره)

شهید صدر (ره) دو گونه از شبهه‌های حکمیه را بیان می‌کنند و در هر دو مشخص می‌شود که وحدت قضیه متیقنه با قضیه مشکوکه محرز نیست. در شبهه‌های حکمیه منشأ شبهه شک در بقای موضوع این حکم است. شک ما در این است که آیا موضوع حکم شرعی با خصوصیاتش که دارد محفوظ است، یا خصوصیات موضوع زایل شده است و زوال خصوصیات موضوع منجر به از بین رفتن حکم شرعی شده است.

سخن در این است که شبهه‌های حکمیه مکلف مربوط به آن جایی است که به خاطر تغییر در بعضی از خصوصیات موضوع، در بقای حکم شرعی شک شده است که این خود بر دو گونه قابل تصویر است:

۱. گاهی ممکن است ما یقین کنیم خصوصیتی دخیل در حدوث حکم است اما شک کنیم آیا بقای حکم منوط به بقای آن خصوصیت است یا خیر؟ اگر این خصوصیت زائل شد، طبیعی است که شک کنیم که آیا حکم شرعی باقی است یا نه؟
۲. گاهی یقین نداریم خصوصیتی دخیل در حدوث حکم باشد شک داریم این خصوصیت دخیل در حکم است یا نه؟ اما وقتی که حکم شرعی حدوث یافت این خصوصیت وجود داشت، به همین جهت چون یقین به حدوث حکم بدون این خصوصیت نداریم و این سبب می‌شود که وقتی آن خصوصیت، مرتفع شد، در بقای حکم شک کنیم.

### مثال وجه اول

یقین داریم که تغیر به نجس در حدوث نجاست برای آب دخیل است، اما شک می‌کنیم که بقای نجاست آب همچنان منوط به تغیر است یا نه؟ به عبارت دیگر، برای این که این نجاست برای آب باقی بماند باید تغیر هم باقی بماند یا این که بعد از زوال تغیر، همچنان نجاست باقی است؟ پس نجاست همان خصوصیتی است که حدوثاً در موضوع ماخوذ است و شک داریم که در بقای حکم هم دخالت دارد یا خیر.

در این مثال ما فلقد رکن سوم هستیم قضیه متیقنه عبارت بود از نجاست آب متغیر اما قضیه مشکوکه ما آبی است که زال عنه التغیر. نمی‌شود گفت که هر دو قضیه یک موضوع دارند لذا در شبهه‌های حکمیه متعارف که منشأ آن نسخ نباشد قضیه متیقنه با قضیه مشکوکه متفاوت هستند.

### مثال وجه دوم

یقین داریم وقتی نماز جمعه به صورت قطعی، واجب بود، معصوم حضور داشت. چون یقینی به وجوب نماز جمعه بدون حضور معصوم نداریم، حضور معصوم در قضیه متیقنه ما دخالت دارد؛ یعنی قضیه‌ای که ما به آن یقین داریم این است که نماز جمعه در زمان حضور معصوم واجب است. پس قضیه مشتمل بر خصوصیتی است که دخالت آن در حدوث حکم، مشکوک است. در عصر غیبت که معصوم حضور ندارد در بقای حکم وجوب نماز جمعه، شک داریم. پس قضیه مشکوکه ما متفاوت با قضیه متیقنه شد و وحدت دو قضیه از بین رفته است.

### ۲. دیدگاه شیخ انصاری (ره)

تا اینجا بر اساس نظریه‌ی محقق خراسانی (ره) بود اما دیدگاه شیخ انصاری (ره) نیز در شبهه‌های حکمیه خالی از مشکل نیست؛ ایشان بیان کردند رکن سوم این است که باید بقای موضوع حکم شرعی برای استصحاب حکم شرعی احراز شود. اگر بخواهیم طبق این بیان بحث را دنبال کنیم با مشکل روبرو می‌شویم؛ موضوع حکم شرعی عبارت است از تمام

قیودی که شارع در مقام جعل در حکم شرعی به شکل مفروض الوجود اخذ نموده است. برای مثال در مورد آب، آب بودن و متغیر به نجاست شدن دو خصوصیتی است که شارع به صورت مفروض الوجود، در حکم شرعی اخذ کرده است. یا در مورد جعل وجوب حج، مکلف بودن و مستطیع بودن را به صورت دو خصوصیت مفروض الوجود در حکم شرعی گرفته است. پس شبهه‌های حکمیه ما ناشی از تغییری است که در خصوصیات دخیل در حکم شرعی رخ داده است.

### متن عربی و نکات تطبیقی

و انما يشك (۱) في بقاء حکمها حينئذ (۲) إذا تغيرت بعض القيود و الخصوصيات المأخوذة فيها، و ذلك (۳) بأحد وجهين: اما بأن تكون خصوصية ما دخيلة يقيناً في حدوث الحكم و يشك في إناطة بقاءه ببقائها فترتفع الخصوصية و يشك حينئذ في بقاء الحكم، كالشك في نجاسة الماء بعد زوال تغيره، و اما بان تكون خصوصية ما مشكوكة الدخل من أول الأمر في ثبوت الحكم فيفرض وجودها في القضية المتيقنة إذ لا يقين بالحكم بدونها ثم ترتفع فيحصل الشك في بقاء الحكم . و في كل من هذين الوجهين لا وحدة بين القضية المتيقنة و المشكوكة.

كما انا حين نأخذ بالصياغة الأولى (۴) لهذا الركن نلاحظ ان موضوع الحكم عبارة عن مجموع ما أخذ مفروض الوجود في مقام جعله، و الموضوع بهذا المعنى غير محرز البقاء في الشبهات الحكمية، لأن الشك في بقاء الحكم ينشأ من الشك في انحفاظ تمام الخصوصيات المفروضة الوجود في مقام جعله.

۱. مراد شك به نحو شبهات حکمیه است.

۲. یعنی: حین عدم احتمال النسخ.

۳. مشار الیه: شك در بقای حکم بواسطه تغیر در بعضی خصوصیات.

۴. یعنی: مطابق با تقریر شیخ انصاری.

Sc0:۲۴:۱۸

## چکیده:

۱. تطبیق رکن سوم بر استصحاب جاری در شبهه‌های حکمی بر اساس هر کدام از دو تقریر رکن سوم، با مشکل روبرو خواهد بود.
۲. طبق دیدگاه مرحوم آخوند خراسانی (ره) باید قضیه متیقن و مشکوک وحدت داشته باشند در حالی که این امر در شبهه‌های حکمیه امکان ندارد.
۳. وحدت دو قضیه متیقن و مشکوک در شبهه‌های حکمی تنها جایی صدق می‌کند که نسخ حقیقی در حکم شرعی اتفاق افتاده باشد. بنابر این وقتی نسخی در احکام شرعی رخ نداده است، در شبهه‌های حکمی نمی‌توان استصحاب را جاری دانست زیرا رکن سوم تحت عنوان شک در قضیه متیقن و مشکوک محرز نیست و مصداق پیدا نمی‌کند.
۵. شک در شبهه‌های حکمیه دو شکل دارد: یا یقین داریم خصوصیتی دخیل در حدوث حکم است یا یقین نداریم، در مورد اول شک در این است که آیا بقای حکم منوط به بقای آن خصوصیت است یا خیر؟ و در مورد دوم شک داریم این خصوصیت دخیل در حکم است یا نه؟
۶. طبق نظر شیخ انصاری (ره) رکن سوم عبارت است از این که باید بقای موضوع برای استصحاب حکم شرعی احراز شود. این دیدگاه نیز در شبهه‌های حکمیه خالی از مشکل نیست.